

## ابعاد هویت‌یابی نظام اخلاقی دین با تأکید بر جنبه‌های کارکردگرایی

مسلم محمدی\*

### چکیده

اخلاق دینی مبتنی بر نظام خاصی است که تنها با در نظر گرفتن عناصر و هدف مشترک معنا نمی‌یابد. بلکه دارای اضلاع سه‌گانه‌ای است که افزون بر دو رکن فوق، خاستگاه توحیدی آن نیز باید در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه اخلاق در کنار احکام عملی و اعتقادات جزء دین است، دین در این باره کارکردهای گوناگونی دارد که شاخص‌ترین آنها عبارت‌اند از: ایضاح مفاهیم اخلاقی، تعدیل خودخواهی در انسان‌ها، قدس‌بخشی به ارزش‌های اخلاقی و ارائه هدف‌گذاری برای اخلاق. وجه شاخص و ممیزه نظام اخلاق دینی بر خدلمحوری، معنویت‌گرایی، بازگشت به عالم تکوین، اتکا بر عقل، نقل و فطرت و دفاع عقلانی از اخلاق بنابر اصل حسن‌وقبح ذاتی و اخلاقی استوار است که از مبانی سلسلی اخلاق دین‌محور بشمار می‌آیند.

### واژگان کلیدی

اخلاق، اخلاق دینی، نظام اخلاقی، دین، کارکردگرایی.

\*. استادیار دانشگاه تهران. [mo.mohammadi@ut.ac.ir](mailto:mo.mohammadi@ut.ac.ir)

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی فلسفه اخلاق در تفکر اسلامی پرديس قم دانشگاه تهران است.

تاریخ پذیرش: 90/9/23

تاریخ دریافت: 90/1/20

### طرح مسئله

رابطه دین و اخلاق از جمله مباحثی با پیشینه‌ای کهن است که همواره و به‌خصوص در حدود یک قرن گذشته و پس از کلید خوردن مباحث فلسفه اخلاق اختلاف‌نظر و جنجال‌هایی را در پی داشته است. داستان مناظره افلاطون و ائفرون<sup>1</sup> از نمونه‌های تلریخی آن در دوران یونان باستان است. (افلاطون، 1380: 1 / 253 - 248)

رابطه دین و اخلاق اهمیت وافری دارد که به‌نظر برخی حتی از اعتقاد به وجود خدا و معاد نیز، مهم‌تر است. (ملکیان، بی‌تا: 51) به‌خصوص که این مسئله به‌گرایش‌های علمی متعددی مانند: کلام، اخلاق و فلسفه اخلاق مرتبط است.

استاد مطهری در برهه این رابطه دوسویه می‌گوید:

اعتقاد، بر اخلاق و عمل اثر می‌گذارد و اخلاق و عمل نیز به‌نوبه خود بر اعتقاد اثر می‌گذارد. معنویت یا مادیت اخلاقی و عملی کلاً در اعتقاد مؤثر است و بالعکس، اعتقاد مادی یا غیرمادی نیز در اخلاق و عمل مؤثر واقع می‌شود. برای اعتقاد محکم و استوار دلستن باید فضای مساعد اخلاقی و عملی نیز فراهم آورد. برای مثال اعتقاد الهی در فضای مساعد اخلاقی و عملی معنوی، استحکام یافته و پایدار می‌ماند. در غیر این صورت، مادیت اخلاقی به‌تدریج آن را مضمحل و فرسوده می‌سازد. اعتقاد مادی و غیرالهی نیز، نمی‌تواند با اخلاق و عمل معنوی سازگار باشد و دیر یا زود، اخلاق و عمل معنوی، اعتقادی همسوی با خود را تحقق می‌بخشد و یا بالعکس، اعتقاد مادی، اخلاق و عمل مادی موافق و سازگار با خود را تحقق خواهد بخشید و سبب از بین رفتن خلق و فعل معنوی خواهد شد. (1372: 174 - 170)

در ترابط دین و اخلاق، آنچه بیش از دیگری مورد توجه واقع می‌شود شمول دین بر اخلاق به‌عنوان رابطه جزء و کل و سازگار میان آنهاست؛ زیرا دین شامل اعتقادات، اخلاق و احکام است. که اقسام سه‌گانه از حدیث معروف نبوی به خوبی هویدا و مبرهن است؛ آنجا که

1. ائفرون ادعا می‌کرد، امر خداوند است که موجب خوبی یک عمل می‌شود. سقراط از او پرسید آیا چون خدا به چیزی امر کرده است آن چیز صواب است یا چون آن چیز صواب است خدا به آن امر کرده است؟ ائفرون در پاسخ می‌گوید: چون صواب است خدا به آن امر کرده است.

فرمودند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ؛ هم‌دا علم سه چیز است: آیه محکم، فریضه عادل و سنت پابرجا».  
(کلینی، 1413: 1 / 37)

چگونگی و میزان تأثیر و کاربرد دین بر ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی سؤال اصلی این پژوهش است که نظر به شبهاتی که برخی روشنفکران اسلامی مطرح کرده‌اند می‌باشد؛ و آن شبهه از این قرار است که دین و اخلاق را به‌عنوان دو حوزه مستقل و هم‌عرض مطرح، و بر نظام اخلاقی مبتنی بر حقیق متافیزیکی و دینی خدشه وارد کرده‌اند.

ادله اخلاق سکولاریستی معمولاً یا با نگاه نفی و مخدوش نمودن مبانی و پشتوانه‌های عقلی و منطقی اخلاق دینی صورت می‌پذیرد، و یا به دلیل نوع نگرش به دین مبنی بر اضرار آن به ارزش‌های اخلاقی، دین و اخلاق را به‌عنوان دو پدیده ناهمگون می‌پندارند.<sup>۱</sup> این پژوهش با توجه به فرضیه مورد نظر خود مبنی بر تأثیر دین بر اخلاق و تمیز اخلاق دینی و اخلاق سکولار، در صدد تحلیل مورد پژوهش برخی از این کلر کردها با رویکرد هویت‌بخشی به اخلاق دینی است.

### هویت معرفتی نظام اخلاق دینی

نکته درخور توجه اینکه انگیزه بحث از مسئله ماهیت نظام اخلاق دینی به‌جهت طرح برخی نگرش‌هایی است که اخلاق را صرفاً به جنبه‌های خاصی مانند اخلاق فردی محدود نموده‌اند. حال آنکه با توجه به مفهوم نظام<sup>۲</sup> اخلاق دینی را بیلد به‌عنوان یک نظام یا سیستم با ارکان و عناصر مربوط به آن بررسی کرد.  
استاد مصباح یزدی در این باره می‌گوید:

1. درین باره رجوع شود به: کتاب‌های دانش و ارزش، عبدالکریم سروش، دین در ترازوی اخلاق، ابوالقاسم فنایی اشکوری، جزوه تقابل اخلاق دینی و اخلاق سکولار، مصطفی ملکیان که به‌وضوح و تفصیل این نظریه را بسط داده‌اند.
2. نظام به‌معنای اجتماع اجزا و قطعات به‌هم پیوسته در مجموعه‌ای که با تأثیر در یک‌دیگر به‌صورت هدایت شده هدف واحد و مشخصی را دنبال می‌کند. (جوادی آملی، 1390: 141)

به جای اطلاق عنوان اخلاق اسلامی یا اخلاق دینی باید به عنوان یک نظام منسجم بر پایه‌های خاص خود به آن نگریست؛ زیرا اصطلاح نظام مربوط به جایی است که مجموعه‌ای از عناصر مربوط به هم موجود بوده و به دنبال کارکرد و هدف خاصی باشند، همان گونه که مجموعه دستگاه‌های مختلف یک حکومت را که در جهت اداره یک مملکت فعالیت می‌کنند، نظام حکومتی می‌گویند. (1376: 149)

ایشان در حقیقت، نظام اخلاقی را با دورکن اصلی، یعنی ارتباط درونی و تشکیلاتی عناصر یک مجموعه در کنل اشتراک در کلر کرد و اهداف معرفی می‌کند. به نظر نگارنده این تعریف با دو ویژگی فوق دربرگیرنده انواع نظام‌های اخلاقی اعم از الهی و بشری است؛ چراکه منشأ و خاستگاه نظام اخلاقی به ویژه در نظام اخلاق دینی ناپایده انگاشته شده است.

از این رو، تعریف نظام اخلاقی تنها با در نظر گرفتن اضلاع سه‌گانه عناصر، خاستگاه و هدف صادق است؛ زیرا مراد از عناصر، افعال اخلاقی انسان مبتنی بر ملکات درونی، و خاستگاه آن وجدان مبتنی بر وحی بوده، هدف آن تقرب الهی است. اما در تعریف اخلاق سکولار، مراد از عناصر، افعال اخلاقی انسان، اعم از اینکه مبتنی بر ملکات درونی یا بیرونی باشد است، و خاستگاه آن تنها وجدان آدمی با پشتوانه اومانیستی مؤثر، بدون توجه به وحی و انگیزه تقرب به حق است. در حقیقت دو تفاوت ماهوی نظام اخلاقی اسلام و اخلاق سکولار منشأ و هدف بوده، وجه مشترک آنها تنها در افعال اخلاقی است که آن نیز همان گونه که گفته شد در فلسفه اخلاق اسلامی فرع بر ملکات بلطنی است.

از این رو، در پاسخ این پرسش که اساساً اخلاق بدون خدا ممکن است یا نه؟ باید گفت اگر مراد مطلق اخلاق نبوده، نظام اخلاقی‌ای که سعادت حقیقی انسان را فراهم می‌سازد مدنظر باشد، و منظور از خدا نیز، معبود واحد سرمدی باشد، جواب مطلقاً منفی است؛ زیرا از منظر فلسفی و هستی‌شناسانه، اخلاق در هر شکل و در هر سطح آن پدیده‌ای مانند سایر پدیده‌هاست و از آنجاکه هر پدیده‌ای محتاج پدید آورنده است؛ اخلاق نیز، بدون خدا ممکن نیست. اما اگر مراد نظام‌های اخلاقی گوناگون، با مراتب متفاوت به لحاظ ارزش و اهمیت

باشند، می‌توانند بدون خدا وجود داشته باشند.

به‌بیان دیگر، مطلقاً نمی‌توان به پیوند اخلاق با دین یا استقلال آن حکم کرد؛ چراکه براساس مبانی این نظریه اخلاق متوقف بر دین نیست، اما در صورت پرسش از بلر ارزشی اخلاق و چرایی آن، اخلاق با اصول دین ارتباط می‌یابد. همچنین وقتی درصدد مشخص کردن کمال نهایی انسان باشیم، ناگزیر، برای اثبات اینکه کمال نهایی انسان قرب به خداست، مسئله خدا طرح شده، این نظریه با اعتقادات دینی ارتباط پیدا می‌کند. (همو، 1373: 197 و 198؛ فتحعلی، 1378: 18 و 19)

در حقیقت، مهم‌ترین شاخص نظام اخلاق دینی منشأ و خاستگاه قدسی و الهی آن است نه ریشه‌های اومانیستی و بشری آن؛ از این رو، به اعتقاد باورمندان به ادیان توحیدی، اخلاق جز در گرو دین معنا نداشته، جزئی از دین است. بر این مبنا رابطه دین و اخلاق رابطه عموم و خصوص من وجه نیست، بلکه رابطه جزء و کل است. به این معنا که اخلاق جزء دین است، و دین مانند درختی است که ریشه آن عقاید، تنه‌اش اخلاق، و شاخ و برگ و میوه‌اش احکام است (مصباح یزدی، 1378: 37) زیرا با در نظر گرفتن این واقعیت از دین که شامل پدیده‌های مربوط به زندگی می‌شود، می‌توان به وضوح ملاحظه کرد که اخلاق جزء دین است. (جعفری، 1378: 252) لذا ادیان صرفاً مجموعه‌ای از تعلیمات در باب درست و نادرست نیستند، بلکه برنامه کلی زندگی‌اند. بنابراین پاسخ ادیان به پرسش‌های فوق ارزشی اخلاق که جنبه حیاتی دارند، تعجب‌آور نخواهد بود. (گرین، 1374: 36)

با تعریف یادشده از ماهیت نظام اخلاقی، به راحتی این نکته قابل فهم است که اخلاق متفرع بر دین است و همان‌گونه که ذکر شد رابطه آنها جز رابطه جزء و کل نمی‌تواند باشد. به تعبیر یکی از اندیشمندان غرب، به سه دلیل می‌توان گفت، اخلاق بر مبنای دین است:

1. چون خدا خالق همه چیز است، پس خالق خیر نیز است؛ اگر خدا نبود، خیر هم نبود.
2. خداست که به ما توانایی شناخت آنچه می‌شناسیم، اعم از اخلاقی و غیر اخلاقی، داده است. پس بدون داشتن معرفتی از خدا یا دربار خدا، داشتن معرفت اخلاقی

ناممکن است.

3. انگیزش اخلاقی: معرفت از خدا یا دربار خدا لازمه رفتار اخلاقی است. (برگ، 1377: 215 - 204) از این رو، بدون اخلاق، انسان، و بدون دین، اخلاقی وجود ندارد. (عبدالرحمن، 1383: 214 و 215)

### کارکردهای دین در نظام اخلاقی

تبیین و ارائه الگوی اخلاق مستند و متکی بر دین مهم‌ترین خصیصه است که این پژوهش پی می‌گیرد. در این راستا، درباره مهم‌ترین ابعاد با رویکرد کل‌کردها و تأثیرات دین بر نظام اخلاقی بحث می‌شود:

#### 1. تبیین ارزش‌های اخلاقی

مهم‌ترین بحران معرفتی در اخلاق نظری که در نهییت، انسان را در عمل با سرگردانی مواجه می‌نماید، تشخیص درست و آشکار فضیلت و رد ذلیل است؛ چراکه عقل بشر از درک درست و شفاف آنها عاجز و ناتوان است. از این رو، آموزه‌های وحیانی به مدد عقل آمده، با تبیین متشابهات اخلاقی، آنها را به محکومات ارجاع خواهد داد.

عقل درباره رابطه افعال اختیاری و کمال نهایی، تنها می‌تواند مفاهیم کلی را ادراک نماید و مفاهیم کلی از تعیین مصادیق دستورهای اخلاقی ناتوانند؛ مثلاً عقل می‌فهمد عدل نیکو است اما اینکه عدل در هر مورد چه اقتضایی دارد، و چه رفتاری عادلانه است، روشن نیست، مانند: بحث تساوی حقوق زن و مرد. (مصباح یزدی، 1373: 198)

افزون بر این، تعریف مفاهیم اخلاقی و بیان ملکات افعال اخلاقی ارتباط تنگاتنگی با انسان‌شناسی و جهان‌بینی دارد. (مطهری، 1371: 13؛ مصباح یزدی، 1373: 119)

مراد از مبادی تصوری یا ایضاح مفهومی این است که درک دقیق، کامل، شفاف و پدیدار از مفاهیم اخلاقی در برخی موارد نیازمند منبعی حکیم، قادر، ثابت، سرمد و بی‌طرف است. (فتحعلی، 1378: 9) تا آنجا که تلخیص به یاد دارد دین اصول و هنجارهای اخلاقی را به انسان یاد داده است. (سربخشی، 1388: 19) تا جایی که کثرت دانشمندان

نام‌آور آلمانی که تمام براهین عقل نظری را از اثبات وجود خدا ناتوان می‌دید، بر آن شدتاً وجود خداوند را بر پایه عقل عملی و قوانین اخلاقی مبتنی بر آن اثبات کند. (کاپلستون، 1372: 6 / 438 و 439)

همچنین صدق برخی او گزاره‌های دینی و مذهبی، راه فهم ما به اتصاف افعال به اوصاف اخلاقی است؛ زیرا اگر خداوند خوبی یک فعل را به ما نگوید خود ما، نمی‌فهمیم که این فعل خوب است یا بد، و این در مقام اثبات و تشخیص مصداق است؛ یعنی مقام فهم ما از واقعیات که این معنا قابل دفاع است. (ملکیان، بی‌تا: 99 و 115)

بمعنای یکی از اندیشمندان غیرمسلمان بنام توشیهکو ایزوتسو که پژوهش‌های فراوانی در باره اسلام به انجام رسیده است، قرآن مفاهیم اخلاقی را از ساحت اجتماعی و انسانی آن به تراز دینی می‌رساند، در این روند ساحت تصور و فرمول درست هنوز همان است که قبلاً بوده است؛ مثلاً در خصوص شکر در ایام جاهلی می‌گفتند، هرگز مقابل نعمت ناسپاسی مکن! ولی اکنون قرآن در تراز بلندتر و والاتری که رابطه میان خدا و انسان است، این مفاهیم را به‌کار می‌برد. در اینجا دیگر نعمت الهی در کار است، که در برابر آن شکر می‌گذارد و یا کفران می‌ورزد. (ایزوتسو، 1361: 302)

در نتیجه برای دستیابی به مصداق خاص دستورهای اخلاقی به دین محتاجیم، یعنی وحی است که دستورهای اخلاقی را در هر مورد خاص با حدود، شرایط و لوازم خاص آن تبیین می‌کند. چراکه عقل به‌تنهایی از عهده چنین کلری برنمی‌آید. پس نظریه اخلاقی هم در مقام ثبوت و هم در مقام اثبات با دین ارتباط دارد. (مصباح یزدی، 1373: 198) از این‌رو، پیروان اغلب ادیان، صادقانه معتقدند از طریق عقل، فطرت و وحی مکتوب به حقیقت اخلاقی دسترسی دارند. (پترسون، 1378: 442)

به‌دلیل محدود و ناقص بودن ابزار شناخت انسان، ترک او از سعادت، رفاه و خیر نیز درکی محدود و ناقص است؛ از این‌رو، در صورت انکفا به عقل، حس و یا وجدان در شناخت خیر و شر افزون بر عدم دستیابی به شناخت درست و کامل، به‌دلیل صدور احکام متفاوت و گاه متعارض عقل، حس و یا وجدان افراد گوناگون در شرایط مختلف، ممکن است شهوات و امیال متنوع

نفس انسانی نیز، بر ناکارآمدی این ابزار بیفزاید؛ بنابراین، نظام اخلاقی‌ای که سعادت حقیقی انسان را فراهم می‌کند مستلزم بالاترین شناخت از خیرات، شرور، مصالح و مفاسد است. چنین شناختی، تنها به کمک وحی الهی امکان‌پذیر است. پس چنین نظام اخلاقی‌ای مطلقاً مستلزم وجود خداوند بوده، بدون خدا امکان منطقی نخواهد داشت. (مصباح یزدی، 1373: 197 و 198؛ فتحعلی، 1378: 18 و 19)

دین نغمه‌ها در ایضاح مفهومی، بلکه با ارائه اسوه و الگو، به معرفی فضیلت اخلاقی می‌پردازد؛ به بیان مصطلح، قول، فعل و تقریر رسولان الهی در کنار کتاب آسمانی هر یک از آنان، به نوعی بیلگر مفاهیم اخلاقی‌اند، آیاتی مانند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»، (احزاب / 21) «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا»، (حشر / 7) «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ...»، (نساء / 59) نمونه‌های آشکاری درباره الگوگرا بودن تربیت اخلاقی در دین‌اند.

در حقیقت ارائه اسوه بیلگر ابتدای رویه تربیت اخلاقی دین بر عمل و عینیت است نه گهتمان محض. (سجادی، 1379: 84 و 85)

## 2. ضمانت اجرایی (دنیوی و اخروی) اخلاق

برخلاف نظر سقراط که می‌گفت: فضیلت مساوی است با معرفت، به عبارات دیگر معرفت شرط لازم برای فضیلت است، (افلاطون، 1380: 1 / 192) صرف شناخت خوب و بد برای وادار ساختن انسان به عمل کافی نیست. همان‌گونه که افلاطون و ارسطو با او درین‌باره مخالفت کردند (همو، 1367: 2 / 438 و 439؛ ارسطو، 1378: 1025؛ همو، 1368: 1183) زیرا انسان خصوصاً در آغاز راه نیازمند تشویق و تحذیر است تا از راه وعده و وعیدها، انگیزه بیشتری در عمل به فضیلت و ترک ردیله در او ایجاد شود.

در حقیقت، دین بهترین ضمانت اجرایی در فراگیر شدن پلیندی به اصول اخلاقی است؛ زیرا نمی‌توان توقع داشت تمام انسان‌ها از سر عشق و حب الهی و بدون خوف و طمع، دل‌داده ارزش‌های انسانی و اخلاقی شوند. براساس مقدمات قبل، دین ضمانت اجرایی احکام



اخلاقی است:

الف) عدم کفایت صرف فهم و تشخیص خوبی و بدی، بر عمل یا اجتناب از آنها. به‌عبارت‌دیگر، علم به اخلاق در عمل به آن لازم اما کافی نیست. (برعکس نظریه سقراط و موافق دیدگاه ارسطو)

ب) بعضی از گزاره‌های دینی و مذهبی می‌توانند آن نقصان را جبران کنند؛ مثلاً اگر علم به خوب بودن راستگویی برای عمل به آن کافی نباشد، این گفتار که، هر دروغ‌گویی به جهنم می‌رود، می‌تواند موجب اجتناب از دروغ شود. (ملکیان، بی‌تا: 116)

همچنین ضمانت اجرایی و عدم ظرفیت دنیا در پاداش و عقاب برخی افعال اخلاقی از ادله ضرورت وجود خدا شمرده می‌شود. (فتحعلی، 1378: 10)

در حقیقت، توحید ضامن ثبوت و پایداری اخلاق، و اعتقاد به معاد دلیل اساسی باز داشتن افراد بشر از پیروی از هوا و هوس است. (طباطبایی، 1371: 11 / 155) از این رو اعتقاد به وجود خدا و جاودانگی نفس مستلزم مسئولیت در رفتار است. (مجتبوی، بی‌تا: 2 و 3)

اخلاق و اخلاقیات بدون اتکا بر خداوند اساس خود را از دست داده فاقد ضمانت اجرایی حقیقی خواهند بود. (جعفری، 1364: 248) زیرا دین می‌تواند بنیاد اخلاق باشد و از این طریق آن را ضمانت کند؛ چراکه اولاً تاریخ و تجربه نشان داده است که هر جا دین از اخلاق جدا شده، اخلاق خیلی عقب‌مانده؛ ثانیاً دین به راحتی می‌تواند انضباط‌های اخلاقی محکم و پولادین به وجود آورد؛ ثالثاً به‌عنوان مؤید می‌توان گفت: حتی بعضی از متفکران که در مبحث اخلاق به تأمل پرداختند معترف‌اند، دین بهترین پشتوانه اخلاق است؛ مثلاً داستایوفسکی روسی می‌گوید: اگر خدا نباشد همه چیز مباح یا مجاز است. (مطهری، 1377 الف: 18 و 136 - 134)

از این رو اساساً ممکن نیست که دین به‌کلی از میان برود و اخلاق پلیدار بماند و جای آن را بگیرد چنان‌که در غرب هم اخلاق جای دینت را نگرفت، بلکه دین با اخلاق با صفت اخلاقی تفسیر شد و در طی این مسیر بود که غرب به بن‌بست رسید. (داودی اردکانی، 1378: 131)

با حذف مذهب از حیات دنیوی و مدیریت زندگی مادی و سیاسی، اخلاق و ارزش‌های اخلاقی، و از جمله، محور‌ترین آنها، یعنی عدالت اخلاقی متزلزل شده، رو به فنا خواهد رفت. (جعفری، 1376: 25 / 99 - 97) زیرا، از آنجاکه دین پشتوانه اخلاق است به آرمیان اطمینان می‌دهد رنجشان بی‌اجر نخواهد ماند. (سروش، 1372: 258) در حقیقت، آرمی به خداوند به‌منزله پشتوانه اخلاق نیاز دارد، کثیری از اخلاقیات اگر از طریق دین نرسند یا پشتوانه ثواب و عقاب اخروی نداشته باشند، مورد قبول و عمل عامه آرمیان قرار نمی‌گیرند. (سروش، 1373: 2 / 132)

پیوند مفاهیم اخلاقی به مفاهیم دینی غیر از تعریف کردن مفاهیم اخلاقی در قالب مفاهیم دینی است. مثلاً صرف‌نظر از دین، معنای صبر را می‌دانیم؛ دین نیز، صرفاً به صبر توصیه نمی‌کند، بلکه می‌گوید خداوند شکیبلیان را دوست دارد، یعنی بین صبر به‌منزله یک فضیلت اخلاقی و محبت خداوند به‌عنوان یک محرک و انگیزه قوی دینی ارتباط برقرار می‌کند. (فنیلی اشکوری، 1384: 171)

یکی از اسلام‌شناسان معروف غربی به نام رویی لوی با استناد به برخی ادله، از جمله آیه «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ» (بقره / 177) می‌گوید: «تعلیمات اخلاقی اسلامی، جزء لازم و جدایی‌ناپذیر مجموعه قوانین علمی اسلامی است و این مجموعه طرح شده است تا مؤمن راستین را به راهی رهنمون شود که بپاید طی کند، تا بتواند رضای الهی یا پاداش بهشت را دریابد». (سید قریشی، 1381: 19) به‌ویژه اینکه برای برخی ارزش‌های اخلاقی مانند ایثار، جز با استمداد از دین و آموزه‌های دینی نمی‌توان توجیه عقلانی ارائه داد. (جمعی از نویسندگان، 1385: 173) به‌تعبیر کی‌پرگلد پلرادوکس ایمان چقدر شگفت‌انگیز است، پلرادوکسی که می‌تواند یک قتل را به‌صورت عمل مقدس درآورد، عملی که کاملاً خدا از آن خشنود است؛ پلرادوکسی که اسحاق را به ابراهیم باز پس داد. پلرادوکسی که هیچ اندیشه‌ای قادر به درک آن نیست. (کی‌پرگلد، 1374: 120) و عکس آن نیز صادق است؛ چراکه گاهی یک کل مقدس در گستره ایمان،

عملی منموم بشمار می‌آید. ملئند نمازی که از سر ریا اقامه شود.

باور به قیامت و معاد به‌صورت خاص، از ضمانت‌های مهم در فعل خوب و ترک بد اخلاقی است، مسئله ثواب و عقاب برای نیکوکاران و بدکاران، ثبت و ضبط تمام اعمال انسانی، اعم از صغیره و کبیره و نظارت الهی بر آنها از تضمین‌های روی آوردن مکلفین به نیکی‌هاست. تاجایی که نزدیک به یک‌سوم آیات قرآن مجید ناظر به مسئله مرگ و معاد است.

سخن امیرالمومنین علیه السلام نمونه روشنی از احادیث فراوان معصومین در این باره است:

بندگان خدا از روزی بترسید که اعمال و رفتار انسان واری می‌شود، روزی که پر از تشویش و اضطراب است و کودکان در آن روز پیر می‌گردند ... در قیامت با نیکوکار و بدکار یکسان رفتار نمی‌شود و به تناسب رفتارشان به نعمت یا عذاب دچار می‌شوند. (نهج‌البلاغه، خ 157)

یا «آن کس که از بازگشت خود به قیامت آگاه باشد، خیزد و نیرنگ ندارد». (همان، خ 41)

### 3. قداست‌بخشی به اخلاق

اعتبار و وثاقت منبع ارائه‌دهنده ارزش‌های اخلاقی می‌تواند ثبات خاطر عاملان و باورمندان را فراهم نماید. به‌خصوص اگر این منبع، الهی و آسمانی، و آورنده آن رسولان الهی باشند، اطمینان خاطر مردم و متدینان و در نتیجه جاودانگی حقیق اخلاقی را رقم خواهد زد. از این‌روست که مسلمانان حلال و حرام وارد شده در شرع را تا قیامت ثبت و تغییر نپذیر می‌دانند.

عموم مردم به ارزش‌های دینی باور بیشتری داشته، کمتر به داورهای عقلانی خود انکس دارند، یا کمتر از عقل خود استفاده می‌کنند؛ و سخن آسمانی بهتر در دل آنها می‌نشیند، و برایشان باور کردنی‌تر است. دعوت دین به عدالت، ایثار و تقاض و مبارزه با ظلم، نزد مردم مطلوب‌تر و مقبول‌تر است تا کسی آنها را به دواعی انسانی یا اخلاقی مطلق، به این امور فرا خواند. (سروش، 1372: 394)

از نظر علامه طباطبایی روح توحید در اخلاق کریمه‌ای که دین اسلام به آن دعوت کرده جاری است.

حاصل نزول توحید از مقام عالی اعتقادی خود، اخلاق و نتیجه عروج اخلاق و اعمال از درجه نازل خود، توحید خولهد بود. (1371: 1 / 362 - 354 و 4 / 18)

ملکات، خلقیات و اعمال ما صورتی ملکی و صورتی ملکوتی دارند که صورت ملکی آنان همان ظاهر اعمال است که در این جهان تحقق می‌یابد و فانی و موقت‌اند، و حقیقت و وجهه ملکوتی آنان که از توابع و لوازم و نتایج جدانشدنی اعمال و رفتار ماست، پس از صدور هرگز فانی نمی‌شوند و روزی ما به آنها وصل خواهیم شد و آنها را با همان وجهه و چهره مشاهده خواهیم کرد و زمینه و موجبات لذت یا عذاب ما خواهند بود. (مطهری، 1377 ب: 307)

پرده‌برداری از صور غیبی و نتایج درازمدت اعمال خوب و بد انسان، از مهم‌ترین یلری‌های دین به اخلاق است، و انگیزه شخصی را برای مراعات اخلاقی آن عمل تشدید و تقویت می‌کند؛ به‌ویژه برای افرادی که انگیزه‌های خودخواهانه در آنها قوی است و صرف آگاهی از حکم اخلاقی برای آنها کافی نیست؛ مانند خور دن مال یتیم که دین می‌گوید، در حقیقت خور دن آتش است. این بیان صورت بلطنی خور دن مال یتیم است که از طریق ولی به انسان آموخته می‌شود. (فنیلی اشکوری، 1384: 170)

از منظر دین، دنیا ظاهر و بلطنی دارد؛ ظاهرش فریبنده و بلطن آن همان آخرت است. بدون شک، در صورت نفوذ مجموعه آموزه‌های دینی در باب دنیا و تأثیر اعمال آدمی بر سعادت و شقاوت اخروی، بر جان آدمی، می‌تواند نقش سازنده‌ای در اخلاقی شدن و اخلاقی ماندن مؤمنان ایفا نماید. (همان: 169)

باعتبار کتاب *عقل و اعتقاد دینی*، دین‌داران می‌توانند بفتح و موجهی معتقد باشند که خداوند منشأ حقیقت اخلاقی است، حقیقت اخلاقی‌ای که معتبر و موثق است. (پتerson، 1378: 238) و با هر نوع بی‌ثباتی و تغییری ناهمگون و ناسازگار است.

**4. ارائه هدف غایی در اخلاق**  
این کلر کرد در حقیقت، در بلره دیدگاه برخی روشنفکران دینی است که اخلاق را امری شریف

و ارجمند بشمار آورده، دین را حقیقتی مصلحت‌جو و دارای منطقه فراغ وسیع می‌دانند.<sup>۱</sup> اخلاق دینی در هدف‌گذاری خود به دنبال فتح آخرین قله‌ای است که یک انسان متخلق و متعبد می‌تواند به آن دست‌یابد. قله‌ای که در ادبیات دینی از آن به وصول و تقرب الهی یاد می‌کنند.

دین در حوزه اخلاق واجد ذاتیاتی است؛ ذاتیاتی مؤند سعادت اخروی که مهم‌ترین هدف زندگی آدمی و مهم‌ترین غایت اخلاق دینی است. (سروش، 1378: 80)

اگر اصول و قواعد معرفت اخلاقی در جهت‌دهی انتخاب‌های واقعی ما، سلمان‌بخش فاعل به‌سوی غایت نهیلی یا لقای الهی نباشد، برای فعل انسانی در واقعیت تلریخی کنونی‌اش نامناسب خواهد بود. (بنگرید به: مکینری، 1386: 76)

بخش اخلاقی دین، مؤند راستگویی، عفت، مجاهدت با نفس، پارسایی، زهد، شکر نعمت، توبه، صبر، یاد مرگ و معاد، همه از نظر شرع، در اصل برای کمال نفس‌اند؛ و نفسی که صالح و پالوده باشد، در آخرت به نعیم و رضوان الهی خواهد رسید. (سروش، 1378: 138)

در حقیقت، انسان دین‌دار با رویکرد شریعت‌باوری و نردبان کمال و وصول به حق به اصول اخلاقی پلیند است که به‌خوبی از آیات قرآن کریم قابل استشهاد است.

کی‌برگردد با تقسیم ساحت‌های وجودی انسان به ساحت‌های احساسی، اخلاقی و دینی، اخلاق دینی را ساحتی می‌داند که انسان در آن در بالاترین درجه هستی قرار دارد، او همچنین تأکید دارد صرف بودن در حوزه اخلاق کافی نیست بلکه باید در حوزه اخلاق دینی باشیم، زیرا اخلاق دینی مبتنی بر ایمان است، و خصوصیت بارز آن رنج و محنت است. (وال، 1372: 135 - 132)

در همین راستا، علامه طباطبایی در میان خاستگاه‌های اخلاق‌آفرین، قرآن را دارای ویژگی‌های متمیزی بر می‌شمارد. علامه سه مکتب را در آثار خود طرح می‌کند: مکتب

---

1. برای مطالعه بیشتر این مسئله رجوع شود به اثری مؤند کتاب دین در ترازی اخلاق اثر ابوالقاسم فنلی اشکوری و جزوه تقابل اخلاق دینی و اخلاق سکولار اثر مصطفی ملکیان.

عقلی، دینی عام و قرآنی. هدف مکتب عقلی در اخلاق، کسب محبوبیت اجتماعی و فضیلت روانی، و غایت مکتب دینی عام، وصول به سعادت ابدی و حیات جاوید اخروی با این وجه اشتراک است که هر دو در صدد کسب نوعی فضیلت برای فرد انسانی اند؛ و هدف مکتب اخلاقی قرآنی با یک فرق اساسی با دو مکتب دیگر، ذات خداست، نه کسب فضیلت انسانی، اعم از این جهلی یا آن جهلی. (امید، 1381: 23) به بیان دیگر، ایشان مسلک‌های سه‌گانه اخلاق را این‌گونه از هم جدا می‌کنند: مسلک تهذیب به‌خطرات غیبات این جهلی که مسلک عقلی فلاسفه یونان بود؛ مسلک تهذیب به‌خطرات غیبات اخروی که همان دستیابی به حور و قصور است؛ و مکتب قرآنی که با پرورش ایمان به ترک تمام رذایل می‌انجامد. (همان: 23) و آن همان مکتبی است که در صدد آفریدن انسان کامل و بتعبیر قرآن نفس مطمئنه است که پاداش او داخل شدن در سلک بندگان خاص خدا و متنعم شدن به رضوان الهی در مقابل جنت و فردوس بهشت اکبر است.

در نهییت آنکه نیاز اخلاق به دین از سویی به‌جهت هدف‌مندی همه افعال اختیاری و آگاهانه انسان است؛ چراکه کارهای اخلاقی نیز، از این قلعه مستثنا نیستند؛ و از سوی دیگر ارزش اخلاقی کارها وابسته به ارزش غایت آنهاست. هرچه این غیبات ارزشمندتر باشد، ارزش اخلاقی آنها بیشتر خواهد بود. (فتحعلی، 1378: 9) به بیان دیگر منتهای اخلاق دینی نه‌تنها دستیابی به کمال، بلکه رسیدن و واصل شدن به حق مطلق است؛ همان چیزی که در عرفان اسلامی و دینی نیز از آن سخن می‌گوییم.<sup>1</sup> زیرا مراد از تربیت و اخلاق، ربوبی شدن آدمی است، که متضمن سه عنصر «شناخت»، «انتخاب» و «عمل» است. (باقری، 1380: 81)

1. از نظر استاد مطهری نیز، اخلاق دینی و عرفانی وجوه اشتراک زیادی دارند و در نهییت اخلاق دینی همان اخلاق عرفانی است. به نظر ایشان میان آنها اوصاف مشترکی وجود دارد مانند رابطه انسان با خدا، منازل و مراحل که سالک تا رسیدن به سرمنزل نهایی بپاید طی کند، توجه به عناصر روحی اخلاقی و احوال و اوارد قلبی. (بنگرید به: مطهری، 1377: 201؛ همو، 1354: بخش سوم؛ همو، 1368: عرفان، درس اول)

با بررسی آیات قرآن<sup>1</sup> تأکید بر غیبت‌گرایی و تلاش برای دستیابی به کمالات انسانی به‌عنوان هدف نهایی به‌وضوح مشهود است و درحقیقت، تقرب خداوندی را برترین نعمت در دنیا و آخرت بشمار می‌آورد. از این رو، قرآن بعد از آیه: «جَنَّتْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»، آیه «رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ» (توبه / 72) را قرار داده است؛ چراکه خشنودی خدا از همه اینها بالاتر است.

### 5. مهار و تعدیل خودخواهی

خودبینی و خودخواهی که به‌عنوان امل‌رذائل از آن یاد می‌شود، از آفات اخلاقی تهدیدکننده سلامت روحی بشر بشمار می‌آیند.

به دیگر سخن، از آنجاکه ریشه تمام نفس‌انیات و رذایل اخلاقی به خودمحوری و خودخواهی باز می‌گردد، بهترین راه برای مدیریت و کنترل آن توجه به راهکارهای اعتدال‌گرایانه برخاسته از دین است که در فرهنگ دینی از آن به‌عنوان اخلاص در عمل یاد می‌کنند. و تجسم عملی آن انسان‌های عارفانه که با ترک انانیت، عجب و خودبینی به درجات معنوی و الهی بالایی دست‌یافتند.

به بیان استاد مطهری، «خود را فراموش کردن و از خود و از منافع خود گذشتن محور همه مسائل اخلاقی است. در اخلاق یک مسئله وجود دارد که اساس همه مسائل اخلاقی است و آن رهایی از خودی و رها کردن و ترک انانیت است». (مطهری، 1373: 80)

آموزه‌های دینی برای رفع مشکل خودخواهی پیشنهادهایی مطرح می‌کنند که عبارتند از:

1. جهان هستی افزون بر نظم طبیعی و علمی دارای نظم اخلاقی نیز است؛
2. جهان هستی حاکم و مدبری دارد که همه‌چیز را می‌داند و چیزی را نمی‌توان از او پنهان کرد؛
3. بیلد خودگروی تنگ‌نظرانه را به خودگروی دوراندیشانه و آخرت‌اندیش تبدیل کرد و با

1. آیاتی مانند: قمر / 54 و 55؛ بقره / 156؛ نجم / 42؛ انشاق / 6.

فدا کردن منافع زودگذر دنیوی به پای منافع اخروی، افق دید خود را گسترش داد؛  
4. از طریق تزکیه و تهذیب نفس بلید اساس خودبینی را برچید و خدا را به جای خود  
نشاند. (فلبلی اشکوری، 1384: 184 - 182)

قرآن همواره با یادآوری گذشته انسان که از گلی پست پدید آمده است و در آغاز تولد فاقد  
دلایی و توانایی بوده، در مقابل حیات و ممت خوش هیچ اختیلی ندارد و بلید تسلیم قضا و قدر  
الهی باشد، غرور رزی او را به شدت منمت می کند. این خود، از برجسته ترین نقش آفرینی های دین  
مقابل سرکشی های بشری است تا او را در برابر خدا و بندگان او رام و مهمل نماید.

### دیدگاه های نگارنده

با توجه به آنچه در مسئله هویت معرفتی نظام اخلاق دینی و کارکردهای دین در  
حوزه اخلاق آمد، روشن می شود نظام اخلاق دینی بر اساس سلسله ای از مبانی اساسی و  
بنیادین استوار است که در حقیقت، وجه ممیزه آن با دیگر مکاتب اخلاقی است. با بررسی  
مجموعه پژوهش های حوزه دین و اخلاق، مهم ترین مبانی نظام اخلاق دینی را می توان  
این چنین برشمرد:

#### 1. خدامحوری

1. هستی و اساس همه چیز در عالم، به ذات مطلق و لایتنهای خداوند باز می گردد.
2. انسان در طول مسئولیت در قبال خدا در قبال وجدان، جامعه و محیط زیست نیز،  
مسئول است.
3. انسان قلبیت حرکت پذیری تا وصول به کمال نفس و دستیابی به قرب و رضوان الهی را دارد.
4. رضا و سخط الهی ملاک و معیار خوبی یا بدی افعال اختیلی انسان است.

#### 2. معنویت گرایی

1. اولویت امور معنوی و اخروی بر مسائل مادی و دنیوی.
2. اصالت نفس و روح انسان مقابل جسم و عناصر فیزیکی و ظاهری.



3. نفی شخصی بودن اخلاق و مساوی جلوه دادن آموزه‌های مختلف اخلاقی که در این صورت به پلورالیسم اخلاقی می‌انجامد.

### 3. بازگشت به عالم تکوین

1. توجه به حسن فعلی و خلوص نیت در امور و اعتباری و قرار دادی نبودن، بلکه حقیقتی تکوینی و تأثیرگذار بودن نیت بر اعمال انسان.
2. وجود رابطه علت و معلولی بین افعال اخلاقی انسان و نتایج آنها که اصطلاحاً از آن به ضرورت بالقیاس الی الغیر تعبیر می‌شود.
3. اعتقاد به واقع‌گرایی و رابطه میان هست و بید، یا بتعبیر دیگر، وجود ترابط و تلازم بین آموزه‌های دینی و ارزش‌های اخلاقی.
4. تأکید بر مطلق‌گرایی و نفی نسبی‌گرایی اخلاقی، به‌ویژه در آموزه‌های بنیادین اخلاقی.

### 4. اتکا بر عقل، نقل و فطرت

1. نقش دو منبع عقل و وحی در کنل راه فطرت و دل در تشخیص مصداق فضیلت و ریفت اخلاقی، به‌عنوان رسولان بلطنی و ظاهری، و فهم ریشه داشتن برخی از حقایق اخلاقی در عقل مطبوع یا وجدان عمومی بشر، و نیاز عقل به آموزه‌های دینی در تبیین برخی دیگر، مانند شیوه رعایت عدالت میان زنان و مردان.
2. انحصار روش‌شناسی به یکی از مبادی فوق، بخشی‌نگری اخلاقی را در پی خواهد داشت، و به یکی از مکاتب مصنوع بشری منتهی خواهد شد.

### 5. توجه به تمام ابعاد وجودی انسان

1. توجه به تمام ویژگی‌های وجودی انسان مانند عواطف، احساسات، لذایذ و غریز و برقراری انسجام درونی میان آنها و عدم تنافی با عقل‌گرایی و حتی تقرب الهی.
  2. توجه به اختیار و انتخاب آگاهانه بشر، با وجود تراحم در زندگی مادی و معنوی او.
- معمولاً، صاحب‌نظران، حسن و قبح عقلی و دفاع عقلانی دین از اخلاق را به‌عنوان یکی دیگر از پشتوانه‌های اساسی اخلاق مطرح می‌کنند. این مسئله به‌خصوص در دیدگاه عقل‌گرایی،

اصلی بنیادین و اساسی است؛ زیرا، در مقام ثبوت، حسن و قبح اخلاقی را ذاتی می‌دانند، و مهم‌تر اینکه داور ی در مقام اثبات را نیز، براساس حسن و قبح عقلی برخاسته از فهم عمومی و سلامت نفسانی انسان‌ها ارزش‌گذاری می‌نمایند نقش حمیت‌گرایده حسن و قبح عقلی از دین با توجه به چالش‌های جنبه‌های هستی‌شناسی و هویت معرفتی جای بحث و فحص فراوان دارد.

### نتیجه

برخلاف نظر معتقدان به تبیین دین و اخلاق به‌خصوص برخی روشنفکران دینی که اخلاق را صرفاً امری مبتنی بر وجدان آدمی و غیر متأثر از دین می‌دانند، حاصل جستار فوق برقراری رابطه کل و جزء بین اخلاق و دین است.

در ترابط دین و اخلاق، آنچه بیش‌ازهمه مد نظر است، تأثیر دین بر اخلاق و کل‌کردهای آن در حوزه اخلاق است.

در ادامه اثبات شد که نظام اخلاق دینی مبتنی بر یک نظام خاص، با سه رکن عناصر، خاستگاه و هدف مشترک است؛ و دین می‌تواند در جنبه‌های کل‌بردی به تبیین ارزش‌های اخلاقی، قداست‌بخشی، ضمانت اجرایی و در نهایت کنترل خودمحوری انسان نقش‌آفرین باشد. نظام اخلاق دینی یک نظام صرف فردگرا، جامعه‌محور یا عبادت‌محور نبوده، در عین التزام به همه موارد فوق، مبتنی بر مبثی خاص خود است که تبیین ماهیت معرفتی مفاهیم اخلاقی، حرمت‌گذاری به ارزش‌ها، تعدیل قوای انسانی، ارائه هدف نهایی برای ارزش‌های اخلاقی و ریشه داشتن در حسن و قبح عقلی از جمله آنها است.

### منابع و مأخذ

1. قرآن کریم .
2. نهج البلاغه .
3. ارسطو، 1378، مابعدالطبیعه (متافیزیک)، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.
4. \_\_\_\_\_، 1368، اخلاق نیکوماخس، ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، تهران،

- دانشگاه تهران.
5. افلاطون، 1380، *دوره کامل آثار افلاطون*، ج 1، ترجمه محمدحسن لطفی و رضا کاویانی، تهران، خوارزمی، چ دوم.
6. \_\_\_\_\_، 1367، *دوره کامل آثار افلاطون*، ج 2، ترجمه محمدحسن لطفی، تهران، خوارزمی، چ دوم.
7. امید، مسعود، 1381، *درآمدی بر فلسفه اخلاق از دیدگاه متفکران مسلمان معاصر ایران*، تبریز، مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز.
8. ایزوتسو، توشیهیکو، 1361، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران، شرکت سهامی انتشار.
9. باقری، خسرو، 1380، *چیستی تربیت الهی*، تهران، تربیت اسلامی.
10. برگ، جاناتان، 1377 - 1376، «پی‌ریزی اخلاق بر مبنای دین»، ترجمه محسن جوادی، *نقد و نظر*، ش 13 و 14، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ص 218 - 204.
11. پترسون، مایکل و دیگران، 1378، *عقل و اعتقاد دینی*، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.
12. جعفری، محمدتقی، 1364، *بررسی و نقد افکار راسل*، تهران، امیرکبیر.
13. \_\_\_\_\_، 1376، *تفسیر نهج البلاغه*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
14. \_\_\_\_\_، 1378، *فلسفه دین*، تدوین عبدالله نصری، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
15. جمعی از نویسندگان، 1385، *فلسفه اخلاق*، قم،

- معارف.
16. جوادی آملی، عبدالله، 1377، *مبانی اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
17. \_\_\_\_\_، 1390، *ادب قاضی در اسلام*، قم، اسراء.
18. داوری اردکانی، رضا، 1378، *فرهنگ خرد و آزادی*، تهران، ساقی.
19. سربخشی، محمد، 1388، *اخلاق سکولار*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
20. سجادی، سیدمهدی، 1379، *تربیت اخلاقی از منظر پیستمدرنیسم و اسلام*، تهران، تربیت اسلامی.
21. سروش، عبدالکریم، 1372، *مدارا و مدیریت*، تهران، صراط.
22. \_\_\_\_\_، 1373، *حکمت و معیشت*، تهران، صراط.
23. \_\_\_\_\_، 1378، *بسط تجربه نبوی*، تهران، صراط.
24. سید قریشی، ماریه، 1381، *دین و اخلاق*، قم، انجمن معارف اسلامی ایران.
25. طباطبایی، سیدمحمدحسین، 1371، *المیزان فلی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان.
26. عبدالرحمن، طه، بهار 1383، «مدرنیسم، اخلاق و عقلانیت»، ترجمه و تحریر مهشید صفایی، *کتاب نقد*، ش 30، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص 217 - 191.
27. فتحعلی، محمود، 1378، *اخلاق هنجاری، قبسات*، ش 13، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص 29 - 2.
28. فنایی اشکوری، ابوالقاسم، 1384، *دین در ترازوی اخلاق*، تهران، صراط.

29. کاپلستون، فردریک، 1372، *تاریخ فلسفه (از ولف تا کانت)*، ترجمه اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران، سروش.
30. کلینی، محمد بن یعقوب، 1413 ق، *الکافی*، بیروت، دارالاضواء.
31. کیپرگارد، سورن، 1374، *تروسولرز*، ترجمه سیدمحسن فاطمی، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چ دوم.
32. گرین، رونالد م. 1374، *مقاله اخلاق و دین*، ترجمه صادق لاریجانی، مندرج در کتاب فرهنگ و دین، میرچا الیاده، ترجمه زیر نظر بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران، طرح نو.
33. مجتبیوی، جلال‌الدین، بی‌تا، *اخلاق در فرهنگ اسلامی*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
34. مصباح یزدی، محمدتقی، 1378، *دین و اخلاق، قبسات*، ش 13، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ص 37 - 30.
35. \_\_\_\_\_، 1373، *دروس فلسفه اخلاق*، تهران، اطلاعات، چ سوم.
36. \_\_\_\_\_، 1376، *پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
37. مطهری، مرتضی، 1354، *سیری در نهج البلاغه*، تهران صدرا.
38. \_\_\_\_\_، 1368، *آشنایی با علوم اسلامی*، تهران، صدرا.
39. \_\_\_\_\_، 1371، *مسئله شناخت*، تهران، صدرا.
40. \_\_\_\_\_، 1372، *علل گرایش به مادیگری*، تهران، صدرا.

41. \_\_\_\_\_ ، 1373، *گفتارهای معنوی*، تهران، صدرا.
42. \_\_\_\_\_ ، 1377 الف، *تعلیم و تربیت در اسلام*، تهران، صدرا.
43. \_\_\_\_\_ ، 1377 ب، *فلسفه اخلاق*، تهران، صدرا.
44. مکینری، رالف، 1386، *اخلاق مسیحی*، ترجمه محمد سوری و اسماعیل علیخانی؛ قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
45. ملکیان، مصطفی، بی تا، *جزوه تقابل اخلاق دینی و اخلاق سکولار*، بی جا، بی نا.
46. وال، ژان، ورژه ورونو، 1372، *نگاهی به پدیدارشناسی و فلسفه های هست بودن*، ترجمه یحیی مهدوی، خوارزمی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی